

بررسی عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار بزهکارانه دانش آموزان (مطالعه موردی دانش آموزان دبیرستان‌های شهرستان سلسله در استان لرستان)

احسان حسنونند^۱

اسماعیل حسنونند^۲

چکیده:

تحقیق حاضر بر آن است تا عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار بزهکارانه دانش آموزان را مورد بررسی قرار دهد. روش مورد استفاده ما روش پیمایشی و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. حجم نمونه این تحقیق ۳۵۰ نفر بود. یافته‌های تحقیق نشان داد که میان دینداری، میزان نظارت والدین بر فرزندان، تعهدات خانوادگی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و تعهدات آموزشی با رفتار بزهکارانه دانش آموزان رابطه‌ای معنادار و معکوس وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق بیانگر وجود رابطه مثبت و معناداری بین معاشرت با دوستان بزهکار و رفتار بزهکارانه دانش آموزان بود. در تحلیل رگرسیون نیز ۶ متغیر وارد مدل شدند و در مجموع ۶۵/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین شد.

کلیدواژه: رفتار بزهکارانه، عوامل خانوادگی، عوامل اجتماعی، دانش‌آموزان.

^۱ - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران / hasanvand61@yahoo.com

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران / smail_hasanvand@yahoo.com

۱- مقدمه و طرح مسأله

جوامع بشری برای طی کردن روند توسعه و تکامل خویش به عناصر و اجزای گوناگونی نیازمندند که یکی از مهمترین این اجزاء، نیروی انسانی کارآمد و جوان است. نوجوانان قشر عظیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند که در آینده، پویایی و تداوم حیات نظام اجتماعی و رشد و توسعه همه جانبه آن، نقش بسزایی خواهد داشت. اما یکی از عوامل مهمی که در امحای نیروی انسانی به ویژه جمعیت جوان و فعال جوامع سهم بسزایی داشته و دارد، آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است. بزهکاری جوانان پدیده‌ای جهانی است، گرچه جوامع گوناگون برحسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود با انواع متفاوتی از آن روبرو هستند. بزهکاری جوانان شاخه‌ای فرعی از انحراف و جرم است که به‌طور خلاصه می‌توان آن را نقض معیارهای قانونی توسط جوانان تعریف کرد. اصطلاح بزهکار در مورد کسانی به کار برده می‌شود که مرتکب اعمالی بر خلاف موازین، مقررات، قوانین و معیارهای ارزش فرهنگی می‌گردند. (فرجاد، ۱۳۷۵، ۱۶۹) کسانی که در مرحله نوجوانی به سر می‌برند در دوره مملو از تعارض و نوسان بین استقلال و وابستگی، یکی از حساس‌ترین مراحل زندگی خود را می‌گذرانند و به این دلیل این امر برای جامعه، خانواده و بویژه برای والدین، مسؤولیت سنگینی را ایجاد می‌کند. همانطور که می‌دانیم جرم و جنایت بی‌مقدمه در انسانها بروز نمی‌کند، بلکه معلول یک سری عوامل پیشین است که فرد را متمایل به کجروی می‌کند. «محیط خانوادگی، محیط اجتناب ناپذیری است که فرد در آنجا چشم به دنیا گشوده و رشد خود را آغاز می‌کند.» (دانش، ۱۳۸۴، ۲۹۵)

از اواخر قرن ۱۹ دانشمندان با تحقیق و پژوهش‌های اجتماعی و بررسی آمارهای کیفری، تأثیر وضع محیط خانوادگی را در بروز جرایم تأیید و اذعان داشتند که وضع محیط خانوادگی رابطه مستقیم با بروز حالت خطرناک و ارتکاب جرم دارد. (همان) کشور ما با جمعیتی بالغ بر ۷۰۴۹۵۷۸۲ (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) بیست و یکمین کشور پرجمعیت جهان است.

براساس برآوردهای مرکز آمار ایران هم اکنون بیش از ۲۶ میلیون نفر از جمعیت ایران یعنی ۳۷/۸ درصد آن، از نظر سنی زیر ۱۸ سال هستند. جمعیت دانش‌آموزی کشور نیز با لحاظ سه مقطع دبستانی، راهنمایی و دبیرستانی بیش از ۱۸ میلیون نفر برآورد شده‌اند. در صورت عدم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مطلوب، چالش‌های متعددی را پیش روی دولت و سیاست‌گذاران قرار خواهد داد. (رجبی پور، ۱۳۸۲، ۱۱)

اگرچه در کشور ما آمار و ارقام معتبری در مورد بزهکاری وجود ندارد اما آمارهای موجود رشد فزاینده آن را در سال‌های اخیر نشان می‌دهد. گزارش سازمان زندان‌های ایران نشان می‌دهد تعداد افراد زیر هجده سال که در خرداد ماه سال‌های ۷۶،۷۷ و ۷۸ دستگیر شده‌اند و به زندان یا کانون‌های اصلاح و

تربیت تحویل شده‌اند به این ترتیب هستند: در خرداد سال ۷۶ جمعاً تعداد ۳۷۲۲ نفر زیر هجده سال دستگیر شدند. در سال ۷۷، افراد دستگیر شده زیر هجده سال ۳۸۹۴ نفر بودند و در سال ۱۳۷۸ این رقم ۲۵۲۱ نفر بوده است. (دادگستر، ش ۲، ۹ به نقل از جلالی‌پور و حسینی نثار، ۱۳۸۷، ۷۹) با توجه به ارتباط تنگاتنگ رفتارهای نابهنجار نوجوانان با چگونگی روش‌های اجتماعی کردن خانواده‌ها و نهادها، تحقیق حاضر بر آن است تا عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان را شناسایی کند و برخی از عوامل شیوع کجروی را بیابد.

۲- چارچوب نظری

نظریه‌های مربوط به رفتارهای انحرافی و از جمله بزهکاری جوانان، هر کدام به بعضی از عوامل زمینه‌ساز رفتار بزهکارانه توجه می‌نمایند. «اگر بخواهیم یک تقسیم‌بندی کلی از این تئوری‌ها داشته باشیم می‌توانیم بگوییم که انواع این تئوری‌ها عبارتند از: تئوری انتخاب، تئوری ساختار اجتماعی، تئوری‌های فرآیند اجتماعی، تئوری‌های ترکیبی و تئوری‌های مرتبط دیگر. (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴، ۱۰)

از دیدگاه نظریه انتخاب عقلانی، افرادی که دارای انتخاب عقلانی هستند، زمانی مرتکب جرم می‌شوند که سود خالص مورد انتظاری که از این فعالیت به دست می‌آید بیشتر از آستانه اخلاقی آنها باشد. (لدرمن و دیگران، ۱۹۹۹، ۱۳ به نقل از چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴، ۱۰)

بسیاری از نظریه‌پردازان ساختاراجتماعی بر رفتارهای نسبتاً خشن کودکان تأکید دارند. آنها تأکید می‌کنند که نیروهای اجتماعی، بیشتر بر افراد نوجوان تأثیر می‌گذارد و این تأثیر در سراسر زندگی ادامه دارد. ساختارگرایان می‌گویند مردمی که در شرایط اجتماعی نامتعادل زندگی می‌کنند، تمایل به رفتارهای مشابهی دارند و چون میزان جرم در مناطق پایین شهری نسبت به مناطق متوسط بیشتر است، باید بر رفتار تأثیر داشته باشد. (سی‌گل، ۲۰۰۰، ۱۹۲)

نظریه‌پردازان بی‌سازمانی اجتماعی بر این باورند که عواملی چون کاهش کارایی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به عنوان نیروهای غیررسمی کنترل اجتماعی، کاهش انسجام‌سستی اجتماعی که پیامد رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به سوی حوزه‌های شهری است. جرایمی نظیر قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد را افزایش می‌دهند. (احمدی، ۱۳۸۲، ۴۳)

«تئوری بی‌سازمانی اجتماعی اخیراً بر روی شکل مستقیم کنترل غیررسمی یا ثمربخش جمعی متمرکز شده است. یعنی توانایی مداخله مؤثر در مسایل محله و نظارت ساکنین برای حفظ نظم عمومی. این تئوری فرض نموده است چنانچه این مکانیسم‌های مکمل ضعیف گردند، محلات توانایی خود را نسبت به کنترل

جرم از دست خواهند داد. شدت همبستگی محله و ثمربخشی به ترتیب برای نمایان ساختن دامنه وسیعی از شرایط سطح کلان از قبیل فقر، شهرنشینی، صنعتی شدن دگرگونی جمعیت و ناهمگونی قومی/ نژادی در نظر گرفته شده‌است در صورتی که آنها افزایش یابند، شدت همبستگی و کنترل غیر رسمی کاهش می‌یابد. (مبارکی، ۱۳۸۳، ۶۷)

نظریه‌های احساس فشار دومین نوع از تبیین ساختاری میزان بزهکاری است. این نظریه معتقد است که اغلب افراد دارای ارزش‌ها و آرزوهای مشابه‌اند و اگرچه اهداف جامعه ثابت است اما افراد نسبتاً کمی از توانایی یا امکانات لازم برای دستیابی به موفقیت برخوردار هستند. ناتوانی در دسترسی به اهداف اجتماعی، مولد خشم، نفرت و پرخاشگری است نظریه فشار چگونگی تأثیر احساساتی نظیر از خود بیگانگی، خشم و سرخوردگی ناشی از محرومیت اقتصادی نابرابری اجتماعی بر الگوهای تخلف فردی را توضیح می‌دهد. (سیگل و سنا، ۱۳۸۴، ۲۳۵) این دیدگاه رفتارهای انحرافی را نتیجه فشارهای جامعه می‌داند که بعضی مردم را وادار به کجروی می‌کند. (ستوده، ۱۳۸۳، ۱۲۹) گزاره اصلی در این نظریه‌ها این است که عواملی در جامعه وجود دارد که برخی مردم را تحت فشار قرار می‌دهند و آنان را مجبور به کج رفتاری می‌کنند. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵، ۳۹) مردم تهدیدست برای دستیابی به اهداف و راهی از فشار ممکن است از روش‌های سرقت، داد و ستد مواد مخدر یا طرد اهداف اجتماعاً پذیرفته شده و جایگزین کردن اهداف انحرافی دیگر، برای نیل به اهدافشان استفاده کنند. (سی گل، ۲۰۰۱، ۲۰۰)

تئوری فرآیند اجتماعی به تعامل افراد با سازمان‌های مختلف، نهادها و فرآیندهای اجتماعی توجه می‌کنند. (همان) شواهد نشان می‌دهد بسیاری از جوانانی که در این مناطق زندگی می‌کنند به طور قطع مجرم نمی‌شوند و بسیاری از آنان از طریق فرآیندها مکانیسم و ابزارهای مشروع به دنبال اهداف و موفقیت هستند. نظریه پردازان فرآیند اجتماعی معتقدند که تفاوت اندکی بین جهت‌گیری ارزشی و اهداف طبقات- اجتماعی وجود دارد. اگرچه جوانان طبقات پایین با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند ولی بسیاری از آنها مایلند از قواعد اخلاقی و قانونی پیروی کنند این نظریه‌ها ریشه در منابع مطالعاتی گسترده‌ای دارد که به بررسی رابطه بین جامعه‌پذیری و رفتارهای بزهکارانه پرداخته‌اند فرض اصلی این دسته از تئوری‌ها این است که به موازات بالغ شدن کودکان عناصری از جامعه که با آن تماس و ارتباط نزدیک و صمیمانه‌ای دارند بر الگوهای رفتاری آنان تأثیر می‌گذارد. (سیگل و سنا، ۱۳۸۴، ۲۵۷)

نظریه کنترل اجتماعی جرم و رفتار انحرافی را امری جهان‌شمول و ساری در بین همه اقشار و طبقات اجتماعی می‌داند اعمال انحرافی ناشی از ضعف در ساز و کارهای کنترل اجتماعی و کنترل شخصی است و به نوعی در مقابل مفروضات نظریه‌های فشار و یادگیری است. در این نظریه‌ها بیشتر علت هم‌نواپی است،

اعمال کنترل اجتماعی بر افراد است که جلوی کج رفتاری را می‌گیرد. بنابراین فقدان یا ضعف کنترل اجتماعی علت اصلی کج رفتاری است. براساس تئوری هیرشی پیوند فرد با جامعه است که مهمترین متغیر در همنا بودن یا همنا نبودن فرد است. بر این اساس گروهی که اعضای آن با هم انسجام و همبستگی قویتری داشته‌باشند بهتر قادر به اعمال کنترل و نظارت اجتماعی بر روی اعضایش خواهد بود تا گروهی که بین آنها انسجام استواری وجود نداشته باشد. وی معتقد است که بزهکاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شوند یا به طور کلی از بین بروند این قیود را تحت چهار مفهوم کلی دلبستگی، تعهد، درگیری و باور خلاصه می‌کند. (احمدی ۱۳۸۲، ۹۰)

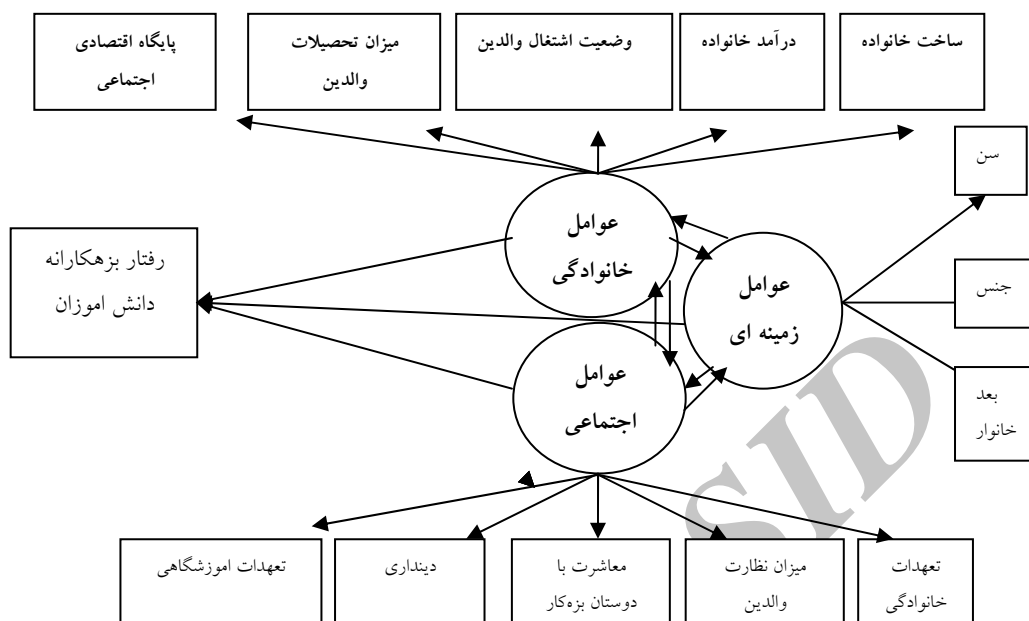
یکی دیگر از نظریه‌های جامعه‌شناختی، نظریه‌های تلفیقی است که مفاهیم و ویژگی‌های نظریه‌های بیولوژیکی، روان‌شناختی ساختاراجتماعی و فرآینداجتماعی را با هم ترکیب نموده‌اند و با این ساختار ترکیبی نظری درصدد تحلیل جرم و عوامل مؤثر بر آن هستند. گاتفردسون و هیرشی در نظریه عمومی جرم متذکر می‌شوند که برای فهم درست ماهیت جرم و بزهکاری باید متخلفان و اعمال آنها را به عنوان موضوعاتی جداگانه تحلیل کرد. بزهکاری نوعی «رضایت‌مندی آسان و کوتاه مدت» را فراهم می‌کند. درمقابل مجرمان یا بزهکاران افرادی هستند که موقعیت و جایگاه آنان احتمال مشارکت آنها را در ارتکاب جرائم افزایش می‌دهد. دلیل ارتکاب جوانان به جرائم به خویشتنداری آنان برمی‌گردد. زیرا شخصیت تکانشی آنها راعمولاً بی‌احساس، دارای قدرت جسمی خطرپذیر، کوتاه فکر هستند را دارای جهت‌گیری دم‌غیمتی می‌کند و آنها را از تلاش برای دستیابی به اهداف دور و دراز مدت منع می‌کند. زیرا به گفته گاتفردسون و هیرشی «دسترسی به پول بدون کار، رابطه جنسی بدون معاشقه و انتقام بدون معطل ماندن، برای تشکیل و حکم دادگاه را برای آنان فراهم می‌کند.»

آنان علت خویشتنداری ضعیف را در روش‌های نامناسب تربیت فرزندان دنبال می‌کنند. کودکان فاقد خویشتنداری به والدین خود دلبستگی ندارند و به ارزش و عقاید متعارف پایبند نیستند. زیرا بین خویشتنداری و پیوندهای اجتماعی رابطه متقابل و دوطرفه‌ای وجود دارد. در نتیجه زنجیره علت‌ها را می‌توان بدین صورت مطرح: (۱) شخصیت تکانشی، (۲) روش‌های نامناسب تربیت فرزند، (۳) فقدان خویشتنداری، (۴) تضعیف پیوندهای اجتماعی، (۵) افزایش فرصت‌های ارتکاب جرم، (۶) تقویت انحراف و تداوم روند منحرفانه در طول دوره زندگی. (سیگل و سنا، ۱۳۸۴، ۲۸۷-۲۸۵) از دیدگاه تلفیقی نظریه‌های تک‌عاملی نظیر ساختار اجتماعی و فرآیند اجتماعی نمی‌توانند تبیین کاملی از جرم ارائه کنند. چون جرم مفهوم پیچیده‌ای است و دربرگیرنده برداشت مجرم، قربانی، افراد و عواملان کنترل اجتماعی است. نظریه- عمومی جرم یکی از نظریات مسلط تلفیقی است از این دیدگاه جرم امری منطقی، عقلانی و پیش‌بینی‌پذیر

است. افراد زمانی مرتکب جرم می‌شوند که این امر پاداش‌دهنده باشد و تهدید برای مجازات می‌تواند جلوی جرم را بگیرد. اگر هدف‌های مورد نظر فرد مراقبت شوند (یعنی خطر جرم بیشتر باشد) میزان جرم کاهش می‌یابد (های، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶-۲۰۹ به نقل از جلالی پور و دیگران، ۱۳۸۷، ۸۱)

۳- فرضیه‌ها

- ۱- به نظر می‌رسد بین سن دانش آموزان و رفتار بزهکارانه آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین جنس دانش آموزان و رفتار بزهکارانه آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بعد خانوار و رفتار بزهکارانه دانش آموزان رابطه معنی‌داری با هم داشته باشند.
- ۴- به نظر می‌رسد میزان رفتار بزهکارانه دانش آموزان بر حسب وضعیت اشتغال والدین تفاوت معنی‌داری داشته باشند.
- ۵- به نظر می‌رسد پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده بر رفتار بزهکارانه دانش آموزان تأثیر داشته باشد.
- ۶- به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات والدین و رفتار بزهکارانه دانش آموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۷- بین میزان رفتار بزهکارانه دانش آموزان به لحاظ ساخت خانواده تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- ۸- به نظر می‌رسد میزان تعهدات خانوادگی دانش آموزان بر رفتار بزهکارانه آنان تأثیر داشته باشد.
- ۹- به نظر می‌رسد میزان معاشرت دانش آموزان با دوستان بزهکار بر روی رفتار بزهکارانه آنان تأثیر داشته باشد.
- ۱۰- به نظر می‌رسد میزان دینداری دانش آموزان بر رفتار بزهکارانه آنان تأثیر داشته باشد.
- ۱۱- بین میزان نظارت والدین بر فرزندان و رفتار بزهکارانه آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۱۲- بین میزان تعهدات آموزشی دانش آموزان و رفتار بزهکارانه آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.



شکل شماره ۱. مدل نظری تحقیق

۴- روش‌شناسی تحقیق

روش این تحقیق پیمایشی است. در این تحقیق از تکنیک پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان دختر و پسر دبیرستانی ۱۹-۱۴ ساله‌ای تشکیل می‌دهند که در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ در دبیرستان‌های شهرستان سلسله به‌عنوان دانش‌آموز مشغول تحصیل بوده‌اند. در این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه برابر با ۳۴۰ نفر تعیین گردید. اما برای اطمینان بیشتر نتایج تحقیق، حجم نمونه را به ۳۵۰ نفر ارتقاء یافت. شیوه نمونه‌گیری این پژوهش از نوع نمونه‌گیری تصادفی قشربندی شده است. طبقات برحسب خصوصیات چون محل سکونت، جنس، پایه تحصیلی و رشته تحصیلی تقسیم گردیدند و افراد نمونه به تناسب از طبقات مختلف جمعیت به صورت تصادفی منظم انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار spss استفاده گردید.

۵- تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

۱-۵- متغیر وابسته: متغیر وابسته در این پژوهش «رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان» است که به آن دسته از

اعمال انحرافی اطلاق می‌شود که توسط جوانان ۱۴ تا ۱۹ ساله صورت گرفته است و شدت آن رفتار در حدی است که الزاماً مجازات‌های قانونی و اجتماعی را به همراه ندارد. بزهکاری بر دامنه وسیعی از رفتارها شامل تهاجم به ارزش‌های قابل احترام تا جرایم کوچک و گاهی بزرگ (مثل دزدی از مغازه، سرقت ماشین و...) به کار می‌رود. برای سنجش عملی متغیر وابسته یک طیف ۸ گویه‌ای بر مبنای طیف لیکرت استفاده شده است.

۲-۵- متغیرهای مستقل

ساخت خانواده: منظور از این متغیر، وجود یا نبود نقش‌های اساسی (پدر یا مادر) در خانواده است و بر این اساس شامل دو دسته می‌شود: خانواده بسامان و خانواده نابسامان.
میزان تعلقات و تعهدات خانوادگی: منظور، میزان احساس تعلق و دلبستگی پاسخگویان به قواعد حاکم بر محیط خانواده و نیز میزان مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی است.

۳-۵- دلبستگی و معاشرت با دوستان بزهکار

مراد ما میزان معاشرت و دلبستگی پاسخگویان به گروه دوستان و همسالانی است که گروه مرجع وی هستند.

۴-۵- دینداری

منظور التزام فرد به دین مورد قبول خویش است. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند و رابطه ایمانی با اوست، سامان می‌پذیرد. در این پژوهش دینداری افراد در سه بعد اعتقادات، احساسات و مناسک مذهبی مورد سنجش قرار گرفته است.

۵-۵- میزان نظارت والدین بر فرزندان

منظور از این متغیر آن است که والدین تا چه اندازه فرزندان خود را آزاد می‌گذارند؟
دلبستگی و تعهدات آموزشی: منظور میزان تعلق و تعهدات پاسخگویان به قواعد حاکم بر محیط آموزشی و میزان مشارکت آنها در فعالیت‌ها و برنامه‌های آموزشی است.

۶- یافته‌های تحقیق

در این قسمت، نتایج به دست آمده از تحقیق را به شکل استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

هدف از انجام آزمون زیر بررسی رابطه میان رفتار بزهکارانه دانش آموزان با سن، تحصیلات، بعد خانوار و پایگاه اقتصادی-اجتماعی می‌باشد. نتیجه آزمون فرض در جدول زیر آمده است.

جدول (۱). همبستگی میان رفتار بزهکارانه دانش آموزان با سن، تحصیلات، بعد خانوار و پایگاه

اقتصادی-اجتماعی

مقادیر ضریب همبستگی	سن	تحصیلات والدین	بعدخانوار	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۵۳	-۰/۲۰	۰/۲۴۱	-۰/۳۱
سطح معناداری	۰/۶۲	۰/۰۰۳	۰/۰۳۴	۰/۰۰۱

همانگونه که جدول فوق نشان می‌دهد، ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۰۵۳ می‌باشد. پس رابطه معناداری میان سن و رفتار بزهکارانه وجود ندارد. بدین معنا که افزایش یا کاهش سن نمی‌تواند باعث افزایش یا کاهش رفتار بزهکارانه دانش آموزان گردد. همچنین ضریب همبستگی پیرسون بیانگر وجود رابطه معکوس و معناداری بین متغیر تحصیلات والدین و رفتار بزهکارانه دانش آموزان است. با بالارفتن تحصیلات والدین میزان رفتار بزهکارانه آنان نیز کاهش می‌یابد. حدود ۳۰/۵ درصد از پاسخگویان اشاره داشتند که میزان والدینشان بیسواد بوده‌اند. والدین ۴۴/۸ درصد از دانش آموزان نیز دارای مدرک تا دیپلم بوده و بقیه نیز دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم بوده‌اند. بعد خانوار نیز رابطه مستقیم معناداری با رفتار بزهکارانه دانش آموزان دارد. بدین معنا که هر قدر که تعداد اعضای خانواده بیشتر باشد، میزان رفتار بزهکارانه دانش آموزان نیز افزایش می‌یابد. نیمی از پاسخگویان اشاره کردند که در خانواده‌های کم جمعیت زندگی می‌کنند. ۴۰ درصد آنها نیز بیان نمودند که در خانواده‌هایی با بیش از پنج نفر جمعیت زندگی می‌کنند. شاید بتوان این موضوع را اینگونه توضیح داد که با افزایش بعد خانوار، علاوه بر ایجاد مشکلات اقتصادی و مالی با کاهش نظارت و کنترل والدین بر فرزندان همراه بوده و زمینه‌ساز رفتار بزهکارانه فرزندان می‌شود.

ضریب همبستگی بیانگر رابطه معکوس و معنادار بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و رفتار بزهکارانه دانش آموزان می‌باشد. به این معنی که هر قدر پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانش آموزان پایین‌تر باشد میزان رفتار بزهکارانه دانش آموزان بالاتر می‌رود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین می‌باشند (۶۵ درصد) و تنها ۱۰ درصد دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالایی بوده و بقیه دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی متوسط می‌باشند. می‌توان گفت که دانش‌آموزانی که در

خانواده‌هایی با پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایینتری زندگی می‌کنند، دچار محرومیت و احساس ناتوانی در نیل به آرزوهای خود شده و فشاری در خود احساس می‌کنند. این فشار باعث می‌شود که آنها جهت تأمین نیازهای روانی، اجتماعی و فرهنگی خویش مرتکب رفتارهای بزهکارانه شوند. یکی از فرضیات تحقیق این بوده است که بین جنس دانش آموزان و رفتار بزهکارانه آنان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۲. آزمون تفاوت میانگین رفتار بزهکارانه دانش آموزان پاسخگو بر حسب جنس

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی داری
دختر	۱۶۸	۱۰/۵۱۲	۲/۲۵۱	۸/۷۵	۰/۰۲۱
پسر	۱۷۲	۱۲/۲۶۲	۲/۷۴۰		

همانگونه که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد تفاوت معناداری میان رفتار بزهکارانه دانش آموزان بر حسب جنس وجود دارد. دانش آموزان پسر آمادگی بیشتری جهت انجام رفتار بزهکارانه دارند. شاید بتوان گفت که آزادی بیشتر پسران نسبت به دختران، زمینه مساعدتری را برای ارتکاب رفتار بزهکارانه در اختیار پسران در مقایسه با دختران می‌گذارد. بر اساس یکی از فرضیات به نظر می‌رسد میزان رفتار بزهکارانه دانش آموزان بر حسب اشتغال والدین شان معنی دار است.

جدول ۳. آزمون تفاوت میانگین رفتار بزهکارانه دانش آموزان بر حسب اشتغال والدین

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
پدر و مادر شاغل	۵۴	۱۰/۴۱۸	۲/۴۵۱	۱۲/۶۵۲	۰/۰۲۴
اشتغال والدین	۲۱۵	۱۱/۵۲۱	۲/۷۴۰		
والدین بیکار	۷۵	۳/۶۸	۶/۱۴۸		

مقدار F جدول شماره ۳ (F=۱۲/۶۵۲) نشان دهنده رابطه معنادار در سطح ۹۵ درصد می‌باشد. دانش آموزانی که والدین شان شاغل یا یکی از والدین شان شاغل است، در مقایسه با دانش آموزانی که والدین شان بیکارند، کمتر مرتکب رفتار بزهکارانه شده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که ۵۰ درصد والدین دانش آموزان

(پدر یا مادر) شاغل اند. ۲۵ درصد از پاسخگویان بیان کرده‌اند که هم پدر و هم مادر شاغل بوده و بقیه عنوان کرده‌اند که والدینشان بیکارند.

جدول ۴. آزمون تفاوت میانگین رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان برحسب ساخت خانواده

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی داری
خانواده بسامان	۳۰۲	۹/۸۵۰	۳/۶۵	۷/۲۵	۰/۰۰۱
خانواده نابسامان	۴۸	۱۱/۲۴۱	۵/۷۴۰		

با توجه به مقدار T جدول، با احتمال ۹۹ درصد می‌توان گفت که رابطه میان رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان و ساخت خانواده معنادار می‌باشد. دانش‌آموزانی که در خانواده‌های نابسامان زندگی می‌کنند مرتکب رفتار بزهکارانه بیشتری می‌شوند. اکثریت پاسخگویان (۸۴ درصد) پاسخ داده‌اند که در خانواده‌های بسامان زندگی می‌کنند و بقیه پاسخگویان نیز زندگی در خانواده‌های نابسامان را تجربه کرده‌اند. می‌توان گفت از آنجا که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از طریق فرآیند جامعه‌پذیری توسط خانواده آموخته می‌شوند، لذا دانش‌آموزان در خانواده‌های بسامان دارای یک سازوکار کنترل درونی هستند که مانع از ارتکاب رفتار بزهکارانه در آنها می‌شود.

جدول ۵. همبستگی میان رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان با معاشرت با دوستان بزهکار، دینداری، دلبستگی و تعهدات آموزشی، میزان نظارت والدین بر فرزندان و تعهدات خانوادگی

مقادیر ضریب	معاشرت با دوستان بزهکار	دینداری	دلبستگی و تعهدات آموزشی	میزان نظارت والدین بر فرزندان	تعهدات خانوادگی
ضریب همبستگی	۰/۴۶۸	-۰/۳۵۸	-۰/۲۸۴	-۰/۴۲۲	-۰/۲۵۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۱۴	۰/۰۳۵	۰/۰۰۰	۰/۰۳۹

همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد رابطه میان رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان و معاشرت با دوستان بزهکار رابطه‌ای قوی و مستقیم است. هراندازه که معاشرت با دوستان بزهکار بیشتر شود، میزان رفتار بزهکارانه آنان نیز افزایش می‌یابد. اکثریت پاسخگویان (بیش از ۹۰ درصد) بیان کرده‌اند که دارای معاشرت با دوستان بزهکار نیستند و بقیه معاشرت با دوستان بزهکار خود را سطحی دانسته‌اند. این دانش‌آموزان با یادگیری و هم‌نوایی با ارزش‌ها و هنجارهای دوستان بزهکار، مرتکب رفتار بزهکارانه بیشتری می‌شوند. همچنین جدول فوق وجود رابطه قوی و معکوسی را بین دینداری و رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان نشان می‌دهد. به این معنی که با افزایش دینداری دانش‌آموزان، میزان رفتار بزهکارانه آنان کاهش می‌یابد. بیش از ۷۷ درصد پاسخگویان عنوان کرده‌اند که معیارها و اصول اخلاقی دینی پایبندند و آنها را به‌جا می‌آورند. بقیه پاسخگویان عنوان کرده‌اند که به اصول دینی اعتقاد داشته ولی آنها را به‌جا نمی‌آورند. می‌توان گفت که دانش‌آموزان دیندار به دلیل پایبندی به معیارها و اصول اخلاقی که از دین نشأت گرفته‌اند، دارای کنترل درونی بیشتری هستند که آنها را از ارتکاب رفتار بزهکارانه باز می‌دارد. همچنین دلبستگی و تعهدات آموزشی و تعهدات خانوادگی دارای رابطه معنادار و معکوسی با رفتار بزهکارانه هستند.

یافته‌های تحقیق نشان داد که هراندازه دلبستگی و تعهدات آموزشی و تعهدات خانوادگی بیشتر باشد، رفتار بزهکارانه آنان کاهش می‌یابد. ۹۲ درصد از پاسخگویان به تعهدات خانوادگی وفادار بوده و تعهدات خانوادگی بقیه پاسخگویان در حد پایینی بوده است. اکثر پاسخگویان دلبستگی و تعهدات آموزشی خود را در حد متوسطی بیان کرده‌اند. با افزایش تعهدات و تقیدات دانش‌آموزان نسبت به نهادها و سازمان‌هایی مانند خانواده و مدرسه، کنترل فردی و اجتماعی و تنظیم رفتار آنها بیشتر و بهتر شده و کمتر مرتکب رفتار بزهکارانه می‌شوند.

میزان نظارت والدین بر فرزندان نیز دارای رابطه قوی و معکوسی با رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان می‌باشد. هر اندازه نظارت والدین بر فرزندان بیشتر باشد، میزان رفتار بزهکارانه آنان نیز کاهش می‌یابد. بیش از ۵۴ درصد از پاسخگویان میزان نظارت والدین بر فعالیت‌هایشان را زیاد، ۳۸ درصد متوسط و بقیه ناچیز عنوان کرده‌اند.

۷- تحلیل رگرسیون

در تحلیل رگرسیون از رگرسیون گام به گام استفاده شده است. زیرا ویژگی روش مذکور این است که در آغاز با مقایسه تمام متغیرهای مستقل، مهمترین عامل را وارد معادله کرده و آن را به عنوان مهمترین عامل و عاملی که بیشترین قدرت تبیین متغیر وابسته را دارد، در نظر می‌گیرد، این روند همچنان در گام‌های دیگر تکرار می‌شود تا وقتی که هیچ متغیر مستقلی توانایی ورود به معادله خط رگرسیون را نداشته باشد.

جدول ۶. خروجی معادله رگرسیون

Sig T	T	Beta	B	R ²	متغیر وارد شده	مراحل
۰/۰۰۰	۱۰/۷۲	۰/۶۲۰	۰/۳۸۵	۰/۳۵۵	معاشرت با دوستان بزهکار	گام اول
۰/۰۰۰	-۸/۶۲	-۰/۴۱۰	-۰/۳۵۵	۰/۴۷۰	میزان نظارت والدین بر فرزندان	گام دوم
۰/۰۰۰	-۶/۳۲	-۰/۳۶۲	-۰/۲۹۵	۰/۵۴۳	دینداری	گام سوم
۰/۰۱۰	-۵/۱۰	-۰/۳۳۸	-۱/۲۰۴	۰/۶۰۱	تعهدات خانوادگی	گام چهارم
۰/۰۲۵	۲/۲۲۵	۰/۲۹۸	۱/۸۱۵	۰/۶۳۴	خانواده بسامان	گام پنجم
۰/۰۳۷	-۲/۰۲۵	-۰/۱۹۸	-۲/۲۳۸	۰/۶۵۵	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	گام ششم

تحلیل رگرسیون گام به گام به گام نشان می‌دهد که ۶ متغیر معاشرت با دوستان بزهکار، میزان نظارت والدین بر فرزندان، دینداری، تعهدات خانوادگی، ساخت خانواده و پایگاه اقتصادی - اجتماعی که طی ۶ گام وارد مدل رگرسیونی شده‌اند،

مجموعاً بیش از ۶۵/۵ درصد از واریانس رفتار بزهکارانه دانش آموزان را تبیین می‌کنند. همانگونه که جدول شماره ۵ نشان می‌دهد متغیر معاشرت با دوستان بزهکار بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته و به تنهایی ۳۵/۵ درصد این متغیر را تبیین می‌کند.

میزان نظارت والدین بر فرزندان دومین متغیری است که وارد مدل رگرسیونی شده و حدود ۱۱/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرد. متغیر دینداری سومین متغیری بود که وارد مدل شد. این متغیر نیز توانست ۷ درصد از متغیر وابسته را تبیین کند. این متغیر به همراه دو متغیر قبلی توانستند بیش از ۵۴ درصد متغیر وابسته را تبیین کنند.

سه متغیر تعهدات خانوادگی، خانواده بسامان و پایگاه اقتصادی - اجتماعی نیز به ترتیب توانستند وارد مدل شده و ۱۱/۲ درصد بقیه واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند.

۸- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

جوامع انسانی با مسایل و آسیب‌های گوناگون اجتماعی دست به گریبانند اما سطح، نوع و شدت این مسائل از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت می‌باشد، گسترش آسیب‌های اجتماعی جوامع را از جوانب متعدد متضرر می‌سازد. علی‌الخصوص زمانی که شعاع آسیب‌های اجتماعی «جوانان» را در بر گرفته باشد. زیرا جوانان سرمایه‌های مادی و معنوی جامعه محسوب شده و سلامت آنان به نوعی تضمین‌کننده بقاء، دوام، سلامت و پویایی جامعه است. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳، ۲۱) در کشور ما که بیش از یک سوم جمعیت را جوانان تشکیل داده‌اند و در حوزه مورد مطالعه که رقمی معادل ۴۰ درصد جمعیت را جوانان به خود اختصاص داده‌ند پرداختن به مسایل جوانان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. بنابراین این تحقیق هدف خود را بررسی عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر بزهکاری جوانان قرار داده‌است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن بود که رابطه معناداری میان سن و رفتار بزهکارانه وجود ندارد. بدین معنا که افزایش یا کاهش سن نمی‌توانست باعث افزایش یا کاهش رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان شود.

همچنین نتایج تحقیق بیانگر وجود رابطه معکوس و معناداری بین متغیر تحصیلات والدین و بعدخانوار با رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان بود. بعد خانوار نیز رابطه مستقیم معناداری با رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان داشت. یافته‌های تحقیق رابطه معنادار میان جنس و رفتار بزهکارانه را تأیید کرد. دانش‌آموزان پسر مرتکب رفتار بزهکارانه بیشتری می‌شوند.

اشتغال والدین نیز یکی دیگر از متغیرهایی بود که رابطه معناداری با رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان داشت. دانش‌آموزانی که والدینشان بیکار بودند مرتکب رفتار انحرافی بیشتری می‌شدند. رابطه میان رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان و ساخت خانواده معنادار می‌باشد.

رابطه میان رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان و معاشرت با دوستان بزهکار رابطه‌ای قوی و مستقیم بود. هر اندازه که معاشرت با دوستان بزهکار بیشتر شود، میزان رفتار بزهکارانه آنان نیز افزایش می‌یابد. این نتیجه نیز نتایج پژوهش‌های صورت گرفته را تأیید می‌کند. همچنین نتایج تحقیق وجود رابطه قوی و معکوسی را میان دینداری، میزان نظارت والدین بر فرزندان، تعهدات خانوادگی و تعهدات آموزشی را با رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان نشان می‌دهد.

براساس نظریه کنترل، دانش‌آموزان دیندار به دلیل پایبندی به معیارها و اصول اخلاقی دارای کنترل درونی بیشتری هستند که آنها را از ارتکاب رفتار بزهکارانه باز می‌دارد. با افزایش تعهدات و تقیدات دانش‌آموزان نسبت به نهادها و سازمان‌هایی مانند خانواده و مدرسه نیز، کنترل فردی و اجتماعی و تنظیم رفتار آنها بیشتر و بهتر شده و کمتر مرتکب رفتار بزهکارانه می‌شوند.

بنابراین نتایج این پژوهش مفروضات نظریه کنترل اجتماعی را تأیید می‌کند. همچنین تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که ۶ متغیر معاشرت با دوستان بزهکار، میزان نظارت والدین بر فرزندان، دینداری، تعهدات خانوادگی، ساخت خانواده و پایگاه اقتصادی- اجتماعی که طی ۶ گام وارد مدل رگرسیونی شده- اند، مجموعاً بیش از ۶۵/۵ درصد از واریانس رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان را تبیین کردند. در مجموع با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد.

- تلاش والدین در درونی ساختن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در فرزندان از طریق فرآیند جامعه‌پذیری
- اهتمام والدین در نظارت و کنترل منطقی فرزندانشان در خانواده و مدرسه
- تلاش والدین در جهت آموزش اصول و مبانی دینی و مناسک مذهبی
- توجه والدین در راهنمایی فرزندان جهت انتخاب دوستان
- تلاش والدین برای جلوگیری از درگیری، جدایی و از هم گسیختگی خانواده
- تلاش اولیای برای درونی ساختن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و دینی

فهرست منابع

۱. احمدی، حبیب، (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی انحرافات، سمت، تهران.
۲. پدرام، احمد، (۱۳۸۳)، خانواده و تربیت فرزند، انتشارات صادق هدایت، اصفهان.
۳. چلبی، مسعود و مبارکی، محمد، (۱۳۸۴)، تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲.
۴. رجبی‌پور، محمود، (۱۳۸۲)، راهبردهای پیشگیری از جرم، فصلنامه دانش‌انتظامی، سال پنجم، شماره سوم.
۵. صدیق سروسنانی، رحمت‌الله، (۱۳۸۳)، آسیب‌شناسی اجتماعی، انتشارات آن، تهران.
۶. جلائی‌پور، حمیدرضا و حسینی‌نثار، مجید، (۱۳۸۷)، عوامل اجتماعی مؤثر بر بزه کاری نوجوانان رشت، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی «ویژه نامه پژوهش‌های اجتماعی».
۷. ستوده، هدایت‌الله، (۱۳۸۳)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، انتشارات آوای نور، تهران.
۸. سیگل، لاری و سنا جوزوف، (۱۳۸۱)، بزهکاری نوجوانان، ترجمه علی اکبر تاج‌مزیانی و فرامرز دزفولی ککولی، سازمان ملی جوانان، تهران.
۹. فرجاد، محمدحسین، (۱۳۷۵)، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات بدر، تهران.

۱۰. مبارکی، محمد، (۱۳۸۳)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. مرکز آمار ایران، (۱۳۸۵)، سالنامه آماری، تهران، سازمان آمار کشور.

12. Siegel .L .j(2000), Criminology: theories, patterns, and typologies, university of massachusetts.7 edition.

Archive of SID